

پیام هفت

مکاشفه الهی درونی درباره حرکت خدا همراه با انسان‌ها و در میان آنها در عهد قدیم و درباره حرکت خدا در انسان در عهد جدید برای به انجام رساندن خواست قلبی خدا و تأمین نیاز انسان در حضور خدا

مطالعه متون مقدس: ایوب ۱۰: ۱۳؛ ۴۲: ۱-۵؛ افسسیان ۳: ۹؛ یوحنا ۱: ۱، ۱۴؛
متی ۱: ۲۳؛ دوم قرنتیان ۳: ۱۸؛ ۴: ۱۶-۱۷؛ رومیان ۸: ۲۹-۳۰؛
کولسیان ۱: ۱۲، ۱۵-۱۹؛ ۳: ۴، ۱۰-۱۱؛ اعمال ۲۶: ۱۶-۱۸؛ افسسیان ۳: ۱۶-۱۹

۱. حرکت خدا با انسان‌ها و در میان آنها در عهد قدیم است؛ حرکت خدا با انسان‌ها و در میان آنها، آن حرکت مستقیم جهت به انجام رساندن اقتصاد ابدی او برای مسیح و کلیسا نبود، بلکه حرکتی غیرمستقیم بود در خلقت قدیم او جهت آماده‌سازی حرکت مستقیمش در خلقت نوین او برای اقتصاد ابدیش - دوم قرنتیان ۵: ۱۷؛ غلاطیان ۶: ۱۵

آ. چون انسان توسط خدا به صورت او خلق شد، باید خدا (با نماد درخت حیات) را به عنوان حیات خود برمی‌گرفت تا بتواند خدا را زندگی، ابراز، و نمایندگی کند؛ و او به عنوان چنین شخصی، می‌بایست به مصالح نفیس، دگرگون و به عنوان همتای خدا بنا شود - پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۲: ۹-۱۲، ۱۸-۲۴.

ب. انسان که سقوط کرده بود نیاز داشت که مسیح را به جهت بازخریدش (که توسط قربانی و ریختن خون نشان داده می‌شود) دریافت کند تا بتواند توسط خدا در مسیح عادل شمرده شود (که توسط پوست قربانی‌ها نشان داده می‌شود)؛ و مسیح را به عنوان بذر آن زن دریافت کند تا بتواند از شیطان، قدرت مرگ آن «مار»، رهایی یابد.

پ. خدا، انسان را در قربانی تمام‌سوز دید و از انسان خشنود بود؛ مسیح، به عنوان واقعیت قربانی تمام‌سوز، حیاتی را زندگی کرد که مطلقاً برای خدا بود و به عنوان آن رایحه خوش به سوی خدا جهت شادی و خشنودی خدا برای رضایت خدا بود - پیدایش ۴: ۴؛ ۸: ۴؛ ۲۰-۲۲؛ لاویان ۱: ۹؛ اشعیا ۴۲: ۱؛ متی ۳: ۱۷؛ ۱۷: ۵؛ ۱۲: ۱۸؛ یوحنا ۵: ۳۰؛ ۶: ۳۸؛ ۷: ۱۸؛ ۸: ۲۹؛ ۱۴: ۲۴؛ م. ش. دوم قرنتیان ۲: ۱۵؛ غزل‌ها ۴: ۱۰-۱۶.

ت. خدا به ابراهیم وعده داد که به واسطه نسل او (مسیح) همه ملت‌های زمین برکت خواهند یافت - پیدایش ۲۲: ۱۸؛ غلاطیان ۳: ۸، ۱۴، ۱۶-۱۷.

ث. انسان، به عنوان شخص برگزیده خدا نیاز داشت که خدا را دریافت کند و به دعوت او پاسخ گوید (پیدایش ۱۲: ۱-۴)، تا از طریق مسیح به عنوان قربانی تمام‌سوز او، در برابر خدا زندگی کند (آ. ۷: ۱۳؛ ۱۸: ۲۲؛ ۱۳: ۱۳)، و توسط شریعت افشا شود تا بتواند آگاه گردد که گناهکار است و قادر به حفظ شریعت نیست (خروج ۱۹: ۸، ۲۱ - ۲۰: ۲۱)، و توسط برگرفتن مسیح به عنوان مسکن، کاهن، و هدایای قربانی، با خدا زندگی کند تا بتواند به درون خدا وارد شده و از هرآنچه خدا هست با مسیح و در مسیح مسرت ببرد (خروج ۲۵ - لاویان ۲۷).

ج. بر طبق شیوه زندگی چادرنشینی ایوب (ایوب ۱: ۳) و روش او در اهدای قربانی تمام‌سوز برای فرزندانش (آ. ۵)، به نظر می‌رسد که ایوب و دوستانش احتمالاً در زمان ابراهیم می‌زیستند (پیدایش ۲۲: ۱۳)؛ در آن زمان کتب پنجگانه موسی با شریعت هنوز نوشته نشده بود:

۱. ایوب و دوستانش قطعاً مکاشفاتی را از اجدادشان به طور شفاهی دریافت کرده بودند؛ اما آنچه آنها از اجدادشان دریافت کرده بودند، حداکثر می‌توانست فقط در سطح مکاشفات در زمان ابراهیم باشد.
۲. بنابراین، در گفتگوهای آنها درباره ارتباط خدا با انسان، هیچ نشانی نیست که نشان دهد، آنها فراتر از داوری خدا و توجه خدا به انسان در قربانی تمام‌سوزش، مکاشفه‌ای الهی دریافت کرده باشند.

۳. ایوب و دوستانش هیچ سخنی نگفتند که حاکی از مسیح و روح خدا باشد؛ آنها در مرحله اولیه مکاشفه الهی بودند.
۴. وقتی خدا بر ایوب ظاهر شد، به نظر می‌رسید که به او می‌گوید، «ایوب در واقع تو نمی‌دانی که من کیستم؛ تو درک نمی‌کنی که من نامحدود هستم؛ در ضمن، تو نمی‌توانی تصور کنی که قصد دارم چه چیزی به تو بدهم. ایوب، من قصد دارم خودم را به تو بدهم، خودم را مسرت تو سازم تا بتوانی بخشی از من شوی. من راضی نیستم که تو کاملیت، بی‌عیبی، و درستی خودت را داشته باشی؛ من می‌خواهم که تو مرا داشته باشی. قصد من این است که خودم را به درون تو افاضه کنم و غیر از خودم چیزی به تو ندهم.»
۵. بدین ترتیب، مردم برگزیده و بازخرید شده خدا نباید خودشان را در صفات انسانی از قبیل بی‌عیبی، درستی، و کاملیت بنا سازند، آن چنان که ایوب کرد، بلکه آنها باید همچون آهوی مشتاق جویای خدا باشند و در ضیافت‌های خدا، با مردم خدا، از خدا مسرت ببرند (مزامیر ۴۲: ۱-۵؛ ۴۳: ۳-۵)، که خدا بتواند همه چیز آنها باشد تا جایگزین هر آنچه به دست آورده و کسب کرده‌اند، گردد؛ این باید پاسخ به آن سه دوست ایوب و حتی به الیهو و ایوب باشد (ایوب ۱۰: ۱۳؛ م. ش. افسسیان ۳: ۹).
۶. در پایان کتاب ایوب، خدا وارد شد، این نشان می‌دهد که آنچه ایوب در زندگی انسانی خود نداشت، خود خدا بود؛ به همین دلیل، کتاب ایوب در واقع پایانی کامل شده ندارد، که باید به دست آوردن کامل خدا در مسیح توسط ایوب باشد تا او را با خدا یک سازد و او بتواند از خدا به عنوان سهم خود در مسیح مسرت ببرد؛ یک چنین مکاشفه‌ای فقط می‌تواند به طور کامل در عهد جدید یافت شود - ایوب ۴۰: ۱-۱۴؛ ۴۲: ۱-۶؛ ۱۰: ۱۳؛ م. ش. افسسیان ۳: ۹.
- ۲/ حرکت خدا در انسان در عهد جدید است تا نیاز انسان در برابر خدا را تأمین سازد؛ حرکت خدا در انسان از نخستین بار آمدن مسیح تا ظهور اورشلیم نو در آسمان نو و زمین نو است؛ این حرکت، در تاریخ انسان بی‌سابقه است - یوحنا ۱: ۱، ۱۴؛ افسسیان ۳: ۱۶-۱۹؛ مکاشفه ۲۱: ۲، ۹-۱۰:
- آ. کسانی که توسط خدا برگزیده و دعوت شده‌اند، باید به درون عیسی مسیح ایمان بیاورند، مسیح که خدای جسم پوشیده است، حیات انسانی را زیست کرد، مرد، رستاخیز کرد، و برای آنها و با آنها صعود کرد، و برای آنها روح حیات بخش شد به عنوان مسیح روح، تا بتواند نجات، حیات، و همه چیز آنها باشد (متی - رومیان):
۱. خدا آمد تا در بطن یک انسان باکره قرار گیرد و از او مولود شود تا یک انسان باشد، بدین ترتیب الوهیت را به درون انسانیت بیاورد و موجب شود تا خدا و انسان به عنوان یک موجودیت نه جوهری سوم، در هم آمیزند - لایوان ۲: ۴-۵؛ یوحنا ۱: ۱، ۱۴؛ متی ۱: ۲۰، ۲۳؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۶.
 ۲. عیسی حیاتی را زندگی کرد که در آن، او همه کارها را در خدا، با خدا و برای خدا انجام داد؛ خدا در زیستن او بود، و او با خدا یک بود؛ او در زندگی انسانی خود، زندگی پرنجشش را در برابر ما به عنوان یک مدل قرار داده است تا ما بتوانیم با ردیابی و پیروی از گام‌های او، آن را کپی کنیم؛ این امر صرفاً به معنای تقلید از او و زندگی او نیست، بلکه تکثیر اوست که در نتیجه مسرت بردن از او به عنوان فیض در رنج‌هایمان حاصل می‌شود، تا او خود به عنوان روح ساکن در درون، با کل غنای حیاتش، خودش را در ما تکثیر کند - افسسیان ۴: ۲۰-۲۱؛ اول پطرس ۲: ۲۱.
 ۳. عیسی مسیح، به عنوان خدای سه‌یکتای جسم پوشیده و به عنوان تجسم خدای سه‌یکتا (کولسیان ۲: ۹)، در انسانیت خود در یک مرگ نیابتی و شامل تمام مرد تا به همه چیزهای منفی پایان دهد و حیات الهی را از درون خود برای ما آزاد سازد (لوقا ۱۲: ۴۹-۵۱؛ یوحنا ۱۲: ۲۴).

۴. او بر مرگ پیروز شد، به درون رستاخیز پُرثمر وارد شد، مولود شد تا پسر نخست‌زاده خدا باشد (که انسانیت را به درون الوهیت آورد)، و برای تولید و تشکیل بدن مسیح، روح حیات‌بخش شد - اعمال ۲: ۲۳-۲۴، ۳۲، ۱۳: ۳۳؛ رومیان ۱: ۳-۴؛ ۸: ۲۸-۲۹؛ یوحنا ۲۰: ۲۲؛ اول قرن‌تینان ۱۵: ۴۵؛ ۱۲: ۱۳.
۵. او صعود متعال خود به آسمان‌ها را به انجام رساند و خداوند، مسیح، رهبر، و نجات‌دهنده شد (اعمال ۲: ۳۶؛ ۵: ۳۱) برای انتشار و برای بناسازی کلیسا به عنوان پادشاهی خود (۱: ۸؛ ۲۶: ۱۶-۱۸).
۶. او در مرگ، رستاخیز، و صعودش، همه‌ایماندارانش را با خود یک کرد؛ بنابراین، مرگ، رستاخیز، و صعود او از آن‌ها شد، و تجربه‌ی او، تاریخ آنها شد - رومیان ۶: ۵-۶؛ افسسیان ۲: ۵-۶؛ سرود شماره ۹۴۹، بند ۴.

ب. انسان، به عنوان ایماندار در مسیح، باید در حیات الهی مسیح رشد کند تا بتواند از طریق روح توزیع‌کننده حیات به آنچه مسیح است، دگرگون شود، تا بتواند با مقدسین بنا شود و بدن مسیح باشد، بدن زنده‌ای که خدای سه‌یکتا را در مسیح ابراز کند، و انسان نو، خلقت نوین خدا باشد تا اقتصاد جاودان خدا را در تکمیل اورشلیم نو به عنوان در هم آمیختن خدای سه‌یکتای پروسه دیده با انسان سه‌بخشی جلال یافته به انجام برساند، تا ظهور خدا-انسان جمعی در ابدیت باشد (اول قرن‌تینان - مکاشفه):

۱. خدا ما را در مسیح باز خرید کرد، گناهانمان را بخشید، ما را شستشو داد، ما را عادل شمرد، و ما را با خودش آشتی داد؛ خدا ما را به درون مسیح قرار داد و او را عدالت، قدوسیت، و باز خرید [رهایی] ما ساخت - افسسیان ۱: ۷؛ اول قرن‌تینان ۶: ۱۱؛ رومیان ۳: ۲۲؛ ۵: ۱۰؛ اول قرن‌تینان ۱: ۳۰.
۲. خدا ما را از طریق رستاخیز مسیح تولد تازه بخشید (اول پطرس ۱: ۳)، و اکنون او ما را نو می‌کند، ما را دگرگون می‌کند، و ما را هم‌مشکل صورت جلال او می‌سازد (تیتوس ۳: ۵؛ رومیان ۱۲: ۲؛ افسسیان ۴: ۲۳؛ دوم قرن‌تینان ۴: ۱۶؛ ۳: ۱۸؛ رومیان ۸: ۲۸-۳۰؛ فیلیپیان ۳: ۲۱).
۳. در نو کردن و دگرگون ساختنش او ما را تحلیل می‌دهد، جهت مشارکت در رنج‌هایش ما را به مرگ خود می‌سپارد، که برای ما جلالی ابدی به ارمغان می‌آورد، تا بتوانیم او را در رستاخیزش تجربه کنیم و او را در ثروت‌های کاوش‌ناپذیرش به دست آوریم - دوم قرن‌تینان ۴: ۱۶-۱۸، ۱۰؛ فیلیپیان ۳: ۱۰، ۸؛ افسسیان ۳: ۸.

۴. خدای پدر در خدای پسر مجسم است (کولسیان ۲: ۹)، خدای پسر به عنوان خدای روح تحقق یافته است، و خدای روح می‌آید تا در ما ساکن شود و واقعیت خدای سه‌یکتا باشد (یوحنا ۱۴: ۱۶-۲۰)؛ پدر، خداوند، و روح به عنوان خدای سه‌یکتا، منشأ، عنصر، و ذات کلیسا به عنوان بدن مسیح شده است (افسسیان ۴: ۴-۶).

۵. درباره‌ی راز خدای سه‌یکتا که همان واقعیت در ایمانداران است، مسیح خیلی چیزها داشت که به شاگردانش بگوید، اما آنها نمی‌توانستند آن کلام را تحمل کنند تا وقتی که روح راستی آمد تا این مطالب را برای آنها آشکار سازد (یوحنا ۱۶: ۱۲-۱۵)؛ این توسط روح راستی با پولس رسول انجام شد، کسی که کلام خدا را کامل کرد، یعنی مکاشفه الهی (کولسیان ۱: ۲۵-۲۷) درباره مسیح به عنوان راز خدا (۲: ۲) و کلیسا به عنوان راز مسیح (افسسیان ۳: ۴).

۶. مسیح به عنوان سهم میراث مقدسین توسط خدا، و به عنوان حیات در ایمانداران، تبدیل به همه‌ی اعضای انسانِ نو شده و در همه‌ی اعضای انسانِ نو، که بدن زنده‌ی اوست، هست؛ خدا می‌خواهد که مسیح، تجسم خدا، را همه چیز ما ایمانداران مسیح سازد - کولسیان ۱: ۱۲، ۱۵-۱۹؛ ۳: ۴، ۱۰-۱۱؛ اول قرن‌تینان ۱۲:

۱۲-۱۳.

۷. او به عنوان روح حیات بخش در ما ساکن است تا خودش و آنچه را به انجام رسانده، کسب کرده، و به دست آورده، برای ما واقعیت سازد تا ما بتوانیم با او یک باشیم و به همان صورت خداوند از جلال به جلال دگرگون شویم؛ با گرداندن قلب خود به سوی خداوند، می‌توانیم بر جلال خداوند بنگریم تا خودمان خداوند را ببینیم، و جلال خداوند بازتاب کنیم تا اینکه دیگران را قادر سازیم که او را از طریق ما ببینند - دوم قرن‌تین ۳: ۱۶-۱۸.

۸. خدا در مسیح کار دگرگون‌سازی خود را در ما انجام خواهد داد تا دگرگون‌سازی او در اورشلیم نو تکمیل شود، ابتدا با پیروزمندان در پادشاهی هزاره (مکاشفه ۲: ۷) و در تکمیل با همه مقدسین در آسمان نو و زمین نو، که همه مردم برگزیده و بازخریدشده‌اش را ابراز جمعی خود سازد، تا در ابدیت به جای صرفاً اظهار هر نوع صفت انسانی (همان‌طور که ایوب کرد)، او را به حد کمال اظهار کنند (۲۱: ۱ - ۲۲: ۵).